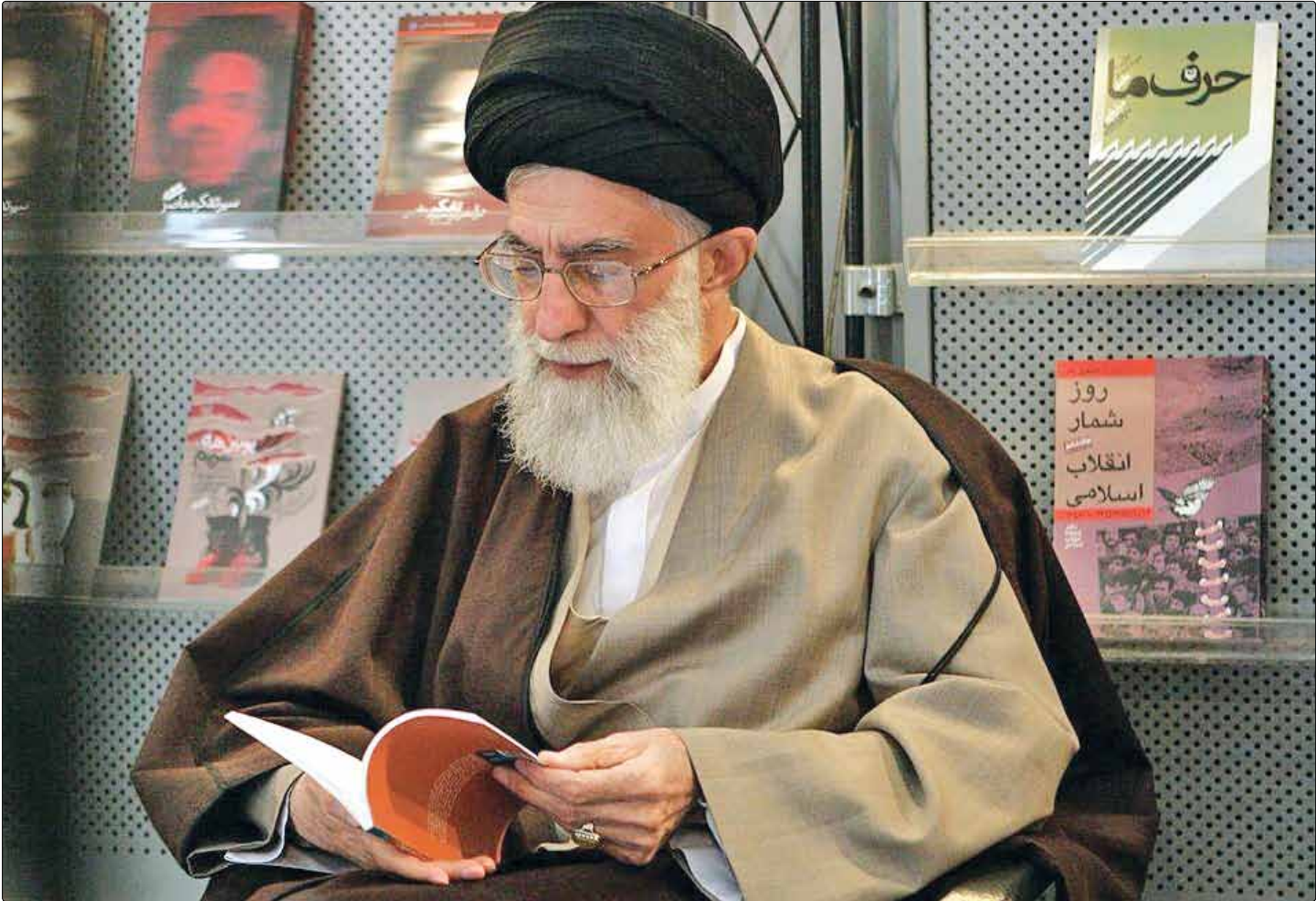


■ **اینکه رهبر معظم انقلاب بر مساله بازسازی انقلابی ساختارهای فرهنگی کشور تاکید کردند، به خاطر دیدن آسیب‌های جدی در افق دور‌دست است، اگر ما بخواهیم با همین فرمان جلو برویم و ساختارهای فرهنگی ما همین معضلات را داشته باشد و اصلاح نشود، در آینده ضربه‌های سختی خواهیم خورد. به همین خاطر است که تجمیع نیروها برای تحقق مطالبه رهبر معظم انقلاب در بازسازی ساختارهای فرهنگی از مهم‌ترین و فوری‌ترین کارهایی است که برای حفظ و تداوم روح انقلاب باید به آن جامعه عمل بوشاند**

**تحلیلی در باره مطالبه اخیر رهبر انقلاب از کنشگران عرصه فرهنگ مبنی بر «بازسازی انقلابی ساختارهای فرهنگی»**

# فرهنگ کار فرهنگی



بحث بازسازی ساختارهای فرهنگی است.

مسئله بعد، تعاون بین سازمان‌هاست. تعاون یعنی همکاری به علاوه هماهنگی. این یکی از مطالبات مهم رهبر معظم انقلاب از سازمان‌های فرهنگی بوده است. بسیاری از سازمان‌ها مسائل مشترکی دارند اما به صورت جزیره‌های جداگانه در حال اقدام و عمل هستند در حالی که یک موضوع فرهنگی، نیازمند یک اراده جمعی و یک کار مشترک جمعی است اما متأسفانه کار جمعی کمتر در فرهنگ ما ایرانی‌ها جایگاه دارد. شما نگاه کنید در همین مساله حجاب، مثلاً ۲۰ سازمان مؤلفند تکالیفی را انجام دهند، اینها همه مکمل هم هستند و باید به صورت هماهنگ با هم عمل کنند ولی وقتی چند سازمان به تکالیف‌شان عمل می‌کنند، چند سازمان عمل نمی‌کنند و آنهایی هم که عمل می‌کنند، چسته و چرخسته و ناقص عمل می‌کنند، خروجی ارزیابی نمی‌شود و ده‌ها مشکل دیگر، اینها همه باعث می‌شود در حل معضلات فرهنگی تاکم باشیم. در مساله تعاون و همکاری بین سازمان‌ها، مساله همدلی نیز موضوع مهمی است، اگر همدلی برای حل یک مساله فرهنگی وجود نداشته باشد، کار جلو نمی‌رود و این دقیقاً نقطه ضعیفی است که در این چند سال به چشم مشاهده کرده‌ایم.

نکته دیگری که در همین مساله «تعاون» باید به آن اشاره کنم، این است که گاهی این همکاری و هماهنگی نه تنها بین سازمان‌های ما، بلکه بین بخش‌های مختلف یک سازمان نیز وجود ندارد؛ اینکه ما در موضوعات فرهنگی بدانی‌هم بر بخش از یک سازمان فرهنگی چگونه می‌تواند ورود کند. به عنوان مثال اگر ما خواستیم بر موضوع همزیستی مسالمت‌آمیز شیعه و سنی در کشور تمرکز کنیم و کار فرهنگی انجام دهیم، خب! سازمان تبلیغات اسلامی ادارای دارد به نام اداره ادیان و مذاهب که وظیفه‌اش در همین راستاست؛ وقتی این اداره هدف «فرهنگسازی

می‌شود.شماوقتی دروزارتخانه‌هایکم‌اهمیت‌ترینسبت بهمساله فرهنگ، مثل وزارت صنعت ورود می‌کنید، می‌بینید شبکه‌های اطلاعاتی خاصی وجود دارد که تمام اطلاعات در یک حوزه از طریق این شبکه و نرم‌افزار قابل مشاهده است. وجود چنین شبکه‌ها و نرم‌افزارهای اطلاعاتی که اطلاعات کارهای فرهنگی انجام شده سازمان‌ها در آن قابل مشاهده باشد، از ضروریات فضای حکمرانی فرهنگی در کشور ما است. رهبر معظم انقلاب اواخر دهه ۸۰ یک کلیدواژه‌ای استفاده کردند؛ ایشان خطاب به سازمان‌های فرهنگی فرمودند شما باید یک منظومه باشید. «منظومه بودن» مساله مهمی است. اینکه هر سازمان و مجموعه، به صورت کامل از فرآیندها و کارهای انجام شده و در دست اجرای سازمان‌های دیگر فرهنگی خبردار باشد و بتواند نقش و جایگاه خود را در عملیات‌های مختلف فرهنگی شناسایی کند، از لوازم ضروری منظومه بودن است. اگر ما هدف‌گذاری کردیم که سازمان‌های فرهنگی به شکل یک منظومه عمل کنند، طبیعتاً این نیاز به یک شبکه اطلاعاتی دارد که این هدف را محقق کند اما متأسفانه ما در این زمینه نیز عقبیم.

در اینجا لازم می‌دانم به یکی از آسیب‌هایی که سازمان‌های فرهنگی ما به آن دچار شده‌اند، اشاره کنم. این آسیب، آفت رانت‌های فرهنگی است. متأسفانه در حوزه فرهنگ و سپردن پروژه‌های فرهنگی به اشخاص حقیقی و حقوقی شفافیتی وجود ندارد. اینکه هر ناظری بتواند ببیند که چه پروژه فرهنگی به چه کسی، به چه دلیلی و با چه تخصصی داده شده است؟ مبلغ پروژه چقدر است؟ آیا این مبلغ با کار انجام شده تناسب دارد یا خیر؟ ما متأسفانه شاهد بودیم مثلاً در موضوع آسیب‌های اجتماعی که رهبر معظم انقلاب بر حل آنها تاکید ویژه‌ای کردند، در یک برهه‌ای پروژه‌هایی به برخی انجمن‌ها داده شد که اعضای آن خیلی هم نگاه

ما در عرصه مناسبات سیاست و فرهنگ، شورای عالی انقلاب فرهنگی را تاسیس کردیم، ترکیب اعضای این شورا هم به نحوی تعیین شد که روند کلان آن با تغییر دولت‌ها چرخش پیدا نکند اما آیا به این هدف رسیدیم؟ خیر! آقای روحانی از سال ۹۲ این شورا را عملاً تعطیل کرد، تقشه تحول فرهنگی را که همه کارهایش انجام شده بود و به مرحله اجرا رسیده بود، متوقف کرد و در سال آخر دولت آن را برای اجرا ابلاغ کرد. به این ترتیب شورای عالی فرهنگی عملاً تحت تاثیر گرایش‌های دولت‌ها قرار می‌گیرد و اگر دولت با جریان کلی این شورا هماهنگ نباشد، می‌تواند شورا را به محاق ببرد. این یک آسیب جدی است. همین وضعیت را ما در شورای عالی فضای مجازی داریم؛ عملاً همه تصمیم‌گیری‌های اصلی در حوزه اختیارات وزارت ارتباطات است. وزارت ارتباطات بر اعمال و شوروی عالی فضای مجازی اثر منفی دارد؛ اینها همه مصادیقی بود از یک معضل بزرگ و آن هم اینکه مسیر فرهنگ را نباید رجال سیاسی مشخص کنند، باید جریانات فرهنگی مشخص کنند. تا زمانی که زمام فرهنگ، به دست سیاسیون نباشد، آنها مطابق گرایش‌های خود قطار فرهنگ را به ریل دلخواه خود می‌اندازند

بسیاری از سازمان‌های ما، ردیف‌های بوجه مشخص مختص به فعالیت‌های فرهنگی دارند اما اینها متأسفانه صرف برنامه‌های بی محتوا می‌شود و اصولاً برنامه‌ریزی صحیحی برای خرج کردن این بوجه‌ها وجود ندارد. این مساله‌ای است که در کنار مسائل دیگر برای حل آن باید چاره‌اندیشی کرد. یک موضوع مهمی که برای ارتقای کیفیت سازمان‌های فرهنگی بویژه بازسازی آنها باید در کانون توجه قرار بگیرد، مساله فرآیند گزینش منابع انسانی، گزینش مدیران و نیروهای اجرایی است. باید این فرآیندها شفاف و کاملاً مبتنی بر اصول شایسته‌سالاری باشد. اینکه ما در یک مجموعه فرهنگی، شخصی را نصب کنیم که هیچ سابقه مرتبطی ندارد یا توانایی مدیریت ندارد یا اصلاً شناختی از عرصه فرهنگ و نحوه تعامل با عناصر فرهنگی ندارد، اینها همگی منجر به نتایج فاجعبار خواهد شد. یکی از اساسی‌ترین موضوعات در اصلاح ساختارهای فرهنگی کشور، تدوین یک نظام‌نامه علمی و شفاف به عنوان نقشه و راهنمای انتخاب و گزینش مدیران فرهنگی است برای کارآمدسازی سازمان‌های فرهنگی، حتماً باید به موضوع اندام سازمان‌های فرهنگی نیز اندیشید. این اندام‌ها، هم سازمان‌ها در چابک‌تر می‌کنند هم هزینه‌ها را کاهش می‌دهد. متأسفانه این امر که لزوم و ضرورت اجرایی شدن آن، بدیهی و واضح است، مواضع زیادی دارد. مهم‌ترین مانع آن مواجعه با این مساله، با رویکرد سیاسی و نادیده گرفتن رویکرد مدیریتی است و همین مساله باعث شده تا به حال بربرغم طرح چندباره این موضوع در نهادهای بالادستی، عملاً راه به جایی نبرد. برای مثال اواسط دهه ۸۰ کار گروه مدیریت کلان دستگاه‌های فرهنگی در شورای عالی انقلاب فرهنگی تشکیل شد و در قالب ۱۸ عرصه، سازمان‌های فرهنگی طبقه‌بندی شدند، ممنه‌ها در نهایت این کار گروه توانست در عمل گامی جدی در ایجاد تعاون میان سازمان‌های فرهنگی بردارد.



■ **ب-نگاهی به بازسازی انقلابی ساختارهای فرهنگی با رویکرد جامعه‌شناسانه**

رهبر معظم جامعه‌شناسانه، ما نگاه سازمان‌وار‌های به مقوله فرهنگ نداریم بلکه فرهنگ را به شکل یک طیف، به شکل یک بستر در گستره وسیع می‌بینیم که ساحت‌های مختلف زندگی انسانی را در بر می‌گیرد.

رویکرد مدیریتی، ساختار را به سازمان تقلیل می‌دهد، یعنی وقتی می‌خواهیم، از مساله بازسازی انقلابی ساختارهای فرهنگی سخن بگوییم، نگاه مدیریتی بلافاصله از لفظ ساختار، سازمان را می‌فهدد اما نگاه جامعه‌شناسانه نگاه کلان‌تری دارد و ساختار را نه تنها سازمان، بلکه همه نیروهای اجتماعی می‌بیند، همه روابطی که بین اجزای مختلف یک جامعه یافت می‌شود. در این رویکرد، ما باید به این سوالات پاسخ بدهیم: آیا نسبت اقتصاد و فرهنگ، سیاست و فرهنگ بدرستی برقرار شده است؟ روابط اینها روابط سالم و کارآمدی است؟ توجه داشته باشید سیاست، یعنی نظام تولید و توزیع قدرت، اقتصاد یعنی نظام تولید و توزیع ثروت، و فرهنگ یعنی نظام تولید و توزیع معنا. این فرهنگ است که سیاست و اقتصاد را جهت‌دهی می‌کند، پس باید در مناسبات سیاسی و اقتصادی خود عمیقاً مذاقه کنیم که آیا این عرصه‌ها به عرصه فرهنگ آسیب می‌زند؟ اگر می‌زند از چه طریقی و راه درمان آن چیست؟ اگر اقتصاد فرهنگی به اینجا کشید که فرهنگ بازاری شد، اگر ورود سیاست باعث شد فرهنگ ابزاری برای تنش‌های جامعه آسیب‌های جدی خواهد زد. اینها مسائلی است که باید برای آنان چاره‌اندیشی کنیم.

«ضرورت بازسازی انقلابی ساختارهای فرهنگی»؛ عبارتی مهم و کلیدی بود که رهبر حکیم انقلاب در دیدار ششم شهریور ماه سال جاری با هیات دولت جدید بیان داشتند: عبارتی که نظام معنایی آن، علت بیان و تاکید بر آن و نحوه عملیاتی کردن آن نیازمند تأمل و بررسی است. حجت‌الاسلام والمصلین دکتر سیدمحمدحسین هاشمیان، عضو هیات علمی پژوهشگاه باقرالعلوم(ع) در یادداشتی که در اختیار «وطن‌امروز» قرار داده، سعی کرده به توضیح لوازم فهم و تحقق مطالبه رهبر انقلاب در بازسازی انقلابی ساختارهای فرهنگی بپردازد. ایشان در ابتدا با بیان اینکه بازسازی ساختارها را با ۲ رویکرد مدیریتی و جامعه‌شناسانه می‌شود بررسی کرد، تاکید کرده است: رویکرد مدیریتی، ساختار را به سازمان تغییر می‌دهد، در حالی که از قرائن سخنان رهبر معظم انقلاب برمی آید ایشان نگاه جامعه‌شناسانه به این موضوع داشته‌اند. در نگاه جامعه‌شناسانه به مساله بازسازی ساختارهای فرهنگی، باید اعم از مساله سازمان‌ها، به بازتعریف و بازطراحی نسبت فرهنگ با ۲ مقوله سیاست و اقتصاد بپردازیم و موضوع ارتباط با کنشگرهای نوظهور عرصه فرهنگ را نیز در دستنور کار قرار دهیم. وی همچنین بر لزوم در نظر داشتن رویکرد مدیریتی نیز تاکید کرده و نوسازی اساسنامه‌ها و روش‌های سازمان‌های فرهنگی، ارتقای کیفیت منابع انسانی، ضرورت افزایش همکاری‌های بین‌سازمانی و درون‌سازمانی و همچنین لزوم تحقق مساله شفافیت برای جلوگیری از رانت‌های فرهنگی را مورد بحث و بررسی قرار داده است.

**حجت‌الاسلام دکتر سیدمحمدحسین هاشمیان**  
عضو هیات علمی پژوهشگاه باقرالعلوم(ع)

در دیدار حضرت آیت‌الله‌العظمی خامنه‌ای با هیات دولت جدید که ششم شهریورماه سال جاری انجام شد، کلیدواژه مهمی از سوی رهبر حکیم انقلاب مطرح و ارائه شد و آن هم «بازسازی انقلابی» ساختار فرهنگی بود. ایشان در این دیدار تاکید کردند «در مساله فرهنگ و رسانه، به گمان بنده، ساختار فرهنگی کشور نیاز به یک بازسازی انقلابی دارد. ما مشکل داریم در ساختار فرهنگی کشور و یک حرکت انقلابی لازم است، البته «حرکت انقلابی» یعنی خردمندانه و عاقلانه. معنای «انقلابی بودن» بی‌هوا حرکت کردن و بی‌حساب حرکت کردن نیست. [حرکت] انقلابی باید باشد، بیبنایی باید حرکت شود، در عین حال بر خاسته از اندیشه و حکمت باشد. فرهنگ واقعا ز بریناست؛ خیلی از این خطاهایی که ما در بخش‌های مختلف انجام می‌دهیم، ناشی از فرهنگ حاکم بر ذهن ما است. اگر ما اسراف داریم، اگر ما تقلید کور کورانه داریم، اگر ما سبک زندگی غلط داریم، اینها ناشی از مشکلات فرهنگی است؛ فرهنگ حاکم بر ذهن‌هاست که در عمل، این مشکلات را به وجود می‌آورد. زندگی‌های تقلیدی، زندگی‌های تجملاتی و اشرافی‌گری، غالباً منشأ و ریشه فرهنگ است. در واقع نرم‌افزار این حوادث، فرهنگ کشور و فرهنگ حاکم غلط و اتحرافی است و یک‌بار بعضی ذهن‌ها مسلط شد.

بعدا از این بیانات رهبر معظم انقلاب برخی سازمان‌ها با تشکیل دبیرخانه‌هایی تصمیم گرفتند به صورت جدی و عملیاتی این خط مطالبه رهبری را پیگیری کنند. همین مساله ایجاب می‌کند ما نیز از نگاه کارشناسانه و زوایای مختلف این امر را بررسی کنیم تا به سهم خود برای تحقق این هدف گامی برداشته باشیم.

نکته اولی که باید بر آن تاکید کنم این است که تذکرات و مطالبات رهبری در حوزه فرهنگ نشان می‌دهد دغدغه‌های فرهنگی در ذهن ایشان ضریب بالایی دارد و آنچنان که مطلوب ایشان بوده است، تحولات و تغییراتی در این عرصه مشاهده نکرده‌اند. وقتی مجموعه واژه‌ها و کلیدواژه‌هایی را که ایشان درباره عرصه فرهنگ به کار گرفته‌اند در کنار هم می‌چینیم، نشان می‌دهد ایشان اساساً نظام حکمرانی فرهنگی را ناکارآمد و کم‌بازده می‌دانند. وقتی ایشان در موارد متعدد بر ضرورت استفاده از ظرفیت جبهه مردمی انقلاب یا بر مفهوم آتش به اختیار تاکید می‌کنند، نشان می‌دهد در ساختار فرهنگی کشور معضلاتی جدی وجود دارد که ایشان از جوانان می‌خواهند لنگ این ساختار مریض و علیل نمانند.

در طلیعه دولت سیزدهم ایشان برای چندمین بار مساله فرهنگ را پیش می‌کشند و سخن از «بازسازی انقلابی» ساختارهای فرهنگی می‌زنند. این مساله را از ۲ زاویه می‌توان نگاه کرد؛ یکی از منظر جامعه شناسانه و دیگری از منظر دانش مدیریتی. ما سعی می‌کنیم در این نوشتار از دریچه هر دو رویکرد به بازشناسی بیش از پیش این مفهوم بپردازیم.

■ **الف - نگاهی به بازسازی انقلابی ساختارهای فرهنگی با رویکرد مدیریتی**

در این رویکرد، تمرکز کم ما بر مسائل سازمانی و بین‌سازمانی و اصلاحاتی که باید در این حوزه شود، است. یکی از مسائل جدی که سازمان‌های ما به آن دچارند، مساله فرسودگی است. بسیاری از این سازمان‌ها واپایل انقلاب با کارویژه‌های مشخص تأسیس شدند و اکنون با گذشت بیش از ۴ دهه از انقلاب باید در اساسنامه‌ها و ماموریت‌های بسیاری از آنها تجدیدنظر کرد؛ اهداف از نوین کرد و روش‌های تحقق آن را نیز به تناسب تحولاتی که در این عرصه رخ داده است، ارتقا داد.

نکته بعدی چیدمان سازمانی است. گاهی یک سازمان در اهداف و روش‌ها مشکلی ندارد اما چیدمان اجزای سازمان برای تحقق این اهداف مناسب نیست. گاهی انقدر خود سازمان عریض و طویل است که اداره امور سازمانی بیشترین انرژی را از سازمان می‌گیرد؛ چنین مجموعه‌ای دیگر قادر نیست کارهای مبتکرانه انجام دهد؛ هنر کند خودش و زندگی کارمندانش را حفظ کند. گاهی هم یک سازمان یک تومار اهداف دارد اما نیرو و بودجه‌ای که به آن اختصاص داده شده، کفاف این کار را نمی‌دهد. پس مساله چیدمان سازمانی متناسب با اهداف و روش‌ها، یکی از نکته‌های مهم در

از سوی دیگر بازطراحی روابط سازمان‌ها با کنشگرهای اجتماعی در رویکرد جامعه‌شناسانه از اهمیت بسزایی برخوردار است. جمله مهمی در دوره معاصر از سوی آندیشمندان علوم اجتماعی گفته می‌شود و آن هم این است که ما در عصر پایان ساختارهای فرهنگی و آغاز قدرت گرفتن نیروهای فرهنگی و اجتماعی هستیم، شما گاهی می‌بینید چند کنشگر فرهنگی و اجتماعی به اندازه یک سازمان در عرصه فرهنگ ارزش‌آفرینی می‌کنند. همین باعث می‌شود موضوع ارتباط با این کنشگرها و بازطراحی مناسبات و ارتباطات سازمانی با این نوع فعالان مورد توجه قرار گیرد.

برداشتی که بنده از قرائن سخنان رهبر معظم انقلاب دارم این است که ایشان وقتی سخن از بازسازی انقلابی ساختارهای فرهنگی می‌کنند، بیشتر ناظر بر رویکرد جامعه‌شناسانه است که در همین رویکرد مساله توجه به نیروهای اجتماعی مطرح می‌شود.

یکی از ایده‌های جالبی که از سوی رهبر معظم انقلاب برای استفاده از کنشگرهای اجتماعی خارج از سازمان‌های فرهنگی مطرح شده بود، موضوع ضرورت طراحی حلقه‌های میانی برای سازماندهی ظرفیت‌های مردمی بود. این حلقه‌های میانی می‌توانند رابط و واسطه کنشگرها و مدیران عالی سازمان‌ها شوند و به پویایی و ترقی سازمان‌های فرهنگی کمک شایانی کنند. در ادامه این یادداشت می‌خواهم رجوعی کنم به آسیب‌شناسی مناسبات سیاست و اقتصاد با مساله فرهنگ که عرض کردم از واجباتی است که باید برای بازسازی ساختارهای فرهنگی به آن توجه کنیم.

ما در عرصه مناسبات سیاست و فرهنگ، شورای عالی انقلاب فرهنگی را تاسیس کردیم، ترکیب اعضای این شورا هم به نحوی تعیین شد که روند کلان آن با تغییر دولت‌ها چرخش پیدا نکند اما آیا به این هدف رسیدیم؟ خیر! آقای روحانی از سال ۹۲ این شورا را عملاً تعطیل کرد، تقشه تحول فرهنگی را که همه کارهایش انجام شده بود و به مرحله اجرا رسیده بود، متوقف کرد و در سال آخر دولت آن را برای اجرا ابلاغ کرد. به این ترتیب شورای عالی فرهنگی عملاً تحت تاثیر گرایش‌های دولت‌ها قرار می‌گیرد و اگر دولت با جریان کلی این شورا هماهنگ نباشد، می‌تواند شورا را به محاق ببرد. این یک آسیب جدی است.

همین وضعیت را ما در شورای عالی فضای مجازی داریم؛ عملاً همه تصمیم‌گیری‌های اصلی در حوزه اختیارات وزارت ارتباطات است. وزارت ارتباطات بر اعمال و شوروی عالی فضای مجازی اثر منفی کند. مساله‌ای که چندین بار نمونه‌هایی از آن را در دولت قبل شاهد بودیم. اینها همه مصادیقی است که می‌تواند شورا را به محاق ببرد. این یک آسیب جدی است. همین وضعیت را ما در شورای عالی فضای مجازی داریم؛ عملاً همه تصمیم‌گیری‌های اصلی در حوزه اختیارات وزارت اعمال و شوروی عالی فضای مجازی را منفعل کند. مساله‌ای که چندین بار نمونه‌هایی از آن را در دولت قبل شاهد بودیم. اینها همه مصادیقی است که می‌تواند شورا را به محاق ببرد. این یک آسیب جدی است. همین وضعیت را ما در شورای عالی فضای مجازی داریم؛ عملاً همه تصمیم‌گیری‌های اصلی در حوزه اختیارات وزارت اعمال و شوروی عالی فضای مجازی را منفعل کند. مساله‌ای که چندین بار نمونه‌هایی از آن را در دولت قبل شاهد بودیم. اینها همه مصادیقی است که می‌تواند شورا را به محاق ببرد. این یک آسیب جدی است.

بخش دیگری که به آن می‌پردازم، آسیب‌شناسی مناسبات اقتصاد و فرهنگ است. زمانی یکی با بک‌ها، به عنوان سرمایه‌گذار بر یکی از فیلم‌های که جایزه اسکار هم بر، سرمایه‌گذاری کرد و چندبرابر هم سود کرد. حالا سوال اینجاست: اگر بنگاه‌های اقتصادی به خاطر سودی که در عرصه فرهنگ وجود دارد تصمیم بگیرند بر تولیدات فرهنگی سرمایه‌گذاری کنند، این تولیدات را چگونه انتخاب می‌کنند؟ روی چه نوع تولیداتی دست می‌گذارند؟ چه راهکارهایی باید اندیشده شود تا مورد بازار، موجب نشود فیلم‌هایی با تم پآس یا اشاعه اباحه‌گری مورد حمایت‌های آنچنانی قرار بگیرند و کم‌کم عرصه فرهنگ در قبضه این نوع تولیدات قرار گیرد؛ اتفاق ناگواری که متأسفانه اکنون تا حدی رخ داده است. با مساله بولوشی که در جریان حمایت‌های مالی از یک اثر هنری انجام می‌شود، همان‌طور که چند وقت پیش مساله فساد مالی در یکی از سرپال‌هایی که از طریق شبکه نمایش خانگی توزیع شده بود، پیش آمد. مثال دیگر فروش آثار نقاشی در برخی حراجی‌های هنری تهران است که از یک سو ترویج فرهنگ اشرافی و طبقاتی است که در ضدیت کامل با روح انقلاب اسلامی و روح دینداری و از دیگر سو محلی برای ورود جریان‌های مسالهدار اقتصادی است. جالب است خود پیشکسوتان و صاحبان تخصص در حوزه آثار هنری اذعان می‌کنند نقاشی به فروش رفته، این مقدار ارزش هنری ندارد، پس چرا این اتفاق رقم

می‌خورد؟ گاهی همین خریدن آثار یک نقاش خاص با این هدف طراحی شده که فضای هنری را به سمت یک انحصار گرای ببرد و آن را در انحصار یک یا چند فرد خاص قرار دهد. این آسیب‌ها اگر بموقع تشخیص داده‌نشود و راهکارهایی برای جلوگیری از گسترش و درمان آن اندیشیده نشود، در درآمدت آسیب‌های جدی به فرهنگ ایرانی که آمیخته با روح معنویت است، وارد خواهد کرد. نسلی را تربیت خواهد کرد که هنر را در خدمت پول در خواهند آورد. اگر چه پول و هنر با هم ارتباط دارند و اینکه برای تولید یک اثر هنری خوب، سرمایه‌گذاری مالی شود، هیچ‌انگسالی ندارد اما مساله اینجاست که این سرمایه‌گذاری پولی است که باید پشتوانه هنر قرار بگیرد، نه اینکه هنر پشتوانه سودآوری مالی. اینها هم با مواضع و سخنرانی حل نمی‌شود، نظام جامعی از برنامه‌ها را طلب می‌کند، اینکه به صورت یک نقشه مدون هم راهکارهای عملیاتی اندیشیده شده باشد و هم وظایف هر سازمان و هر بخش از سازمان‌های فرهنگی مشخص شده باشد و هم سازمان‌های فرهنگی با یک اقدام هماهنگ و همدلانه در این عرصه قدم بردارند. اینکه رهبر معظم انقلاب به مساله بازسازی انقلابی ساختارهای فرهنگی کشور تاکید کردند، به خاطر دیدن این آسیب‌های جدی در افق دور‌دست است، اگر ما بخواهیم با همین فرمان جلو برویم و ساختارهای فرهنگی ما همین معضلات را داشته باشد و اصلاح نشود، در آینده ضربه‌های سختی خواهیم خورد. به همین خاطر است که تجمیع نیروها برای تحقق مطالبه رهبر معظم انقلاب در بازسازی ساختارهای فرهنگی از مهم‌ترین و فوری‌ترین کارهایی است که برای حفظ و تداوم روح انقلاب باید به آن جامعه عمل بوشاند.